

پرورش

استعداد

موسیقی

در کودکان

بادیده دقیق و موشکاف بدور و بر خود نگاه کنید، مشاهده خواهید کرد که دوست شما با آن صدای بسیار عالی «تنور» تبدیل به یک کارمند ساده راه آهن گردیده، که دندانساز شما درحقیقت برای اینکه یک هنرمند دراماتیک باشد بدنیا آمده، که وکیل حقوقی شما نه تنها از شغلش بیزارمی- باشد بلکه دارای رغبت و تمایل زیادی نسبت بامور فنی است و بالاخره پسر عموی طیب شما ظرفیت و علاقه خارق العاده ای به ریاضیات دارد.

مفهوم جملات بالا صرفاً اینست که این اشخاص درانتخاب شغل خود مرتکب اشتباه بزرگی شده اند. راست است که تعداد معدودی از نوابغ و هنرمندان مانند آهنگساز روسی «ریهسکی کورساکوف» (افسر نیروی دریائی) ، ویولونیست مشهور «کرایسلر» (دانشجوی پزشکی) و بسیاری دیگر که درابتدا مسیر اصلی خود را گم کرده و منحرف شده بودند بالاخره

بعد از مدت زمانی پی به استعداد و قریحه شگرف خود بردند. ولی بطور کلی باید متذکر شد که تعداد افرادی که به هدف غائی خود نرسیده و در حرفه خود موفق نشده اند بسی بیشتر از تعداد اشخاصی است که ذوق و استعداد طبیعی



منظره‌ای از تدریس موسیقی با آلات جدید در یک مدرسه روستائی آلمان

و خداداد خود را شناخته و بدنبالش رفته اند. این مسئله خواه و ناخواه سد بزرگی در راه پیشرفت و ترقی جامعه میباشد.

پس آیا واقعاً بر گزیدن حرفه‌ای که هماهنگی با استعداد خداداد شما داشته باشد آنقدر مشکل است؟

احتمالاً، بله! زیرا، اجتماع، روایات آبا و اجدادی و عقاید و رسوم باستانی و بالاخره میل والدین و بطور کلی علل بیشمار دیگر در انحراف شما از پی گیری استعداد و قریحه خود،

دخالت مستقیم و تام دارد.

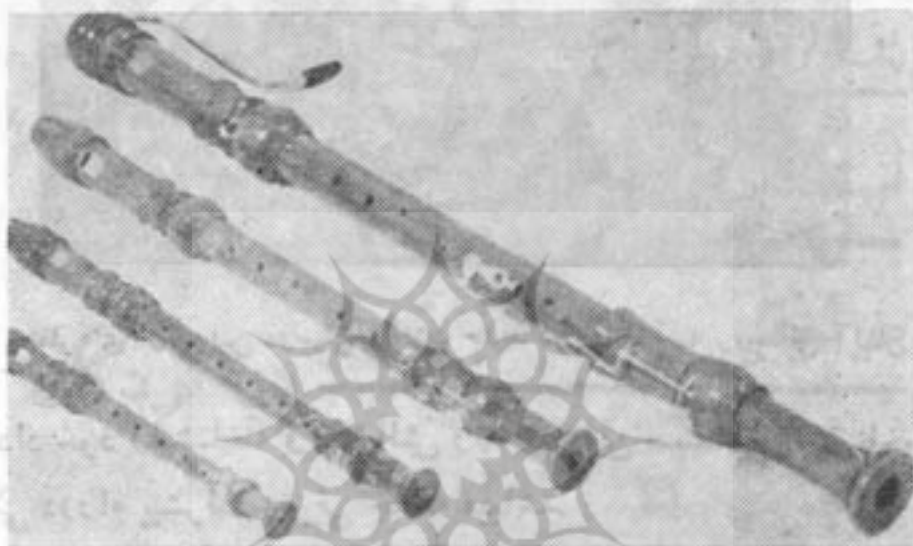


بدین ترتیب مدت زمان درازی است که فن تعلیم و تربیت بطرف این مسأله بسیار بفرنج و در عین حال دقیق انعطاف پیدا نموده است.

اما در مورد مسائلی که ارتباط به قلمرو موسیقی پیدا مینماید، پس

شیوه مخصوص با استفاده از رنگها

از کوششهای بسیار، اخیراً در آلمان به حصول بعضی از نتایج موفق گردیده‌اند. بدین ترتیب روشهای جدید تدریس موسیقی در مدارس ابتدائی معمول شده و سرودهای یکنواخت و کسالت‌آور همیشه‌گی جای خود را به کنسرو و آوازهای جمعی پاروشهای ساده که خواه و ناخواه وجود و یافتن ریتم، قواعد موسیقی و قدرت شنیدن موسیقی را در نزد هر طفل روشن مینماید، داده‌است. در میان این روشهای متفاوت باید به روش «Orff» توجه نمود. این روش مستلزم استفاده از تعدادی آلات ابتدائی موسیقی است که به تناسب



نی‌های مخصوص آلمانی در چهار نوع: سوپرانو، تنور، آلتو و بایس

حال کودکان ساخته شده است. علوم آلمانی و مطالعات فرنگی، با نواختن این آلات، کودکان میتوانند درجه اطلاعات خود را در مورد قواعد موسیقی، ریتم و صحت شنوایی و بالاخره تخیل موسیقی و بدیهه‌سرایی بیازمایند و آنرا ارتقاء دهند. تعلیم و تربیت، همچنین جهت شناختن آنهایی که دارای استعداد مخصوص در بین دیگران میباشند و روانه ساختن ایشان بسوی مدرسه موسیقی یا کنسرواتوار، (بعداً جلب رضایت والدین آنها) اهمیت بسزائی را داراست روشهای ارائه کرده است.

باید توجه نمود که در آشکار گردیدن و افشاء شدن قریحه موسیقی در اطفال ابتکارات مؤسسات شخصی نیز نقش عمده‌ای دارد. برای حصول این منظور گروهی از استادان موسیقی صرفاً برای بوجود آوردن انواع جدید



آلات موسیقی متناسب وضع اطفال و مبتدیان در دو کارخانه از بزرگترین کارخانه های سازنده این سازها در آلمان بکارگمارده شده اند. کارخانه دیگری نیز پس از تحقیقات و مطالعات فراوان به ساختن آلات موسیقی مخصوص اطفال با نت های رنگین دست زده است. بدنبال این روش يك طفل كودكستانی، حتی بدون آشنائی با نت، میتواند از عهدۀ نواختن يك كلارینت كوچك و یا ساز هارمونی که هرنت آهنگ آن دارای رنگ متمایز است برآید. این کارخانه

همچنین به چاپ دفترچه های مخصوص آواز های عمومی با انتهای رنگین، صرفاً برای کار کردن با همین آلات، اقدام نموده است.

بسیاری دیگر از کارخانجات

Block flöte (که يك نوع نی میباشد) میسازند. از این آلت که نواختنش بسی سهل است در مدارس ابتدائی آلمان استفاده میگردد. اطفال از عهدۀ نواختن این نی ها بصورت سه یا چهار صدائی برآمده و حتی میتوانند دسته ارکستر کوچکی تشکیل دهند. زیرا نی های مزبور در چهار حد صوتی ذیل ساخته شده است : سوپرانو، تنور، آلتو، باس.

بدین ترتیب، از همان ابتدای کار اطفال به هماهنگی مابین سه و



سازی مشابه با آکوردیون برای اطفال

چهار صدا عادت مینمایند. این روشهای جدید برای کشف و آشکار ساختن استعداد های موسیقی در چند سال اخیر تعداد زیادی شاگرد از بین جوانان آلمانی برای کنسرواتوار موسیقی آماده ساخته و به نسبت قابل ملاحظه ای به ارزش هر کنسرواتوار در آن کشور افزوده است.

در حین نوشتن این سطور من بیاد بعضی از هنرجویان موسیقی در کشور خودمان هستم که نمیدانم در اثر چه تصادفی این رشته را برگزیده اند. در نتیجه بعدها، از اینکه چرا نمیتوانند حرفه و رشته خود را عوض نمایند رنج میبرند. در حالیکه اگر در مدارس ابتدائی و «حرفه ای»، روشهای نوینی را در راه شناخت استعداد و قریحه واقعی کودکان بکار گیرند مسلماً تعداد شاگردان باذوق و قریحه افزونی خواهد یافت.

فی المثل هر گاه هر یک از معلمین سرود در سال فقط یک شاگرد لایق و با استعداد جهت تحصیل در هنرستان موسیقی اعزام بدارد، تعداد بدست آمده کاملاً برای غنی تر ساختن محیط موسیقی ما کفایت خواهد کرد و ارزش آن را بالا خواهد برد. لذا باید توجه داشت که کسانی را که تحت تأثیر مادیات مجبور به کار در این رشته و سایر رشته های هنری گردیده اند بسختی میتوان به شخصیت های موسیقی دان تبدیل نمود و شاید چنین امری محال باشد.

آنها که در پیش پای نسل جوان ما هنرهائی چون موسیقی، نقاشی، قلمزنی، کهنه کاری و سایر هنرهای زیبارا میگسترند، باید لیاقت و استعداد های واقعی را بشناسند و آن را در راه انعطاف بسوی هدف اصلی و حقیقی خود حمایت نمایند.

در غیر این صورت، آنها نیز از بین رفته، کم و منحرف خواهند شد، زیرا این زندگی است که ایشان را از مسیر اصلی و حقیقی خود بطرف مشاغل و پیشه های دیگر منحرف میسازد.

در اروپا نیز مانند کشور ما، در این مورد، زودتر از هر چیز به اصلاح گروه تعلیم دهنده پرداخته اند. زیرا بکار گرفتن روشهای جدید تدریس و تعلیم موسیقی مستلزم آنست که جامعه هنر آموزان با این روشها آشنا گردد.

نوشته سورن آراکلیان

ترجمه از فرانسه «م - ن»